

فصل‌نامه علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال پنجم، شماره دهم، تابستان ۱۴۰۱ (صص ۱-۱۶)

مقاله پژوهشی

Doi: 10.22034/jmzf.2022.343873.1115

DOR: 20.1001.1.26453894.1401.5.10.6.8

کاربست نظریه کنش‌های گفتاری در خوانش متن داستان شهری و روستایی

مثنوی

منوچهر دانش‌پژوهان^۱، حسن واعظ زاده^۲

چکیده

استفاده از نظریه‌های جدید زبان‌شناسی در تحلیل متون ادبی، چشم‌اندازهای تازه‌ای برای پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی و ادبیات فارسی گشوده است. نظریه کنش گفتار سرل، از جمله نظریه‌های مهم در حوزه تحلیل متن است که معانی ثانوی کلام را با توجه به بافت سخن بررسی می‌کند. با بررسی متن از این دیدگاه، می‌توان به زوایای پنهان متن پی برد. بدین لحاظ در این پژوهش تلاش شده است تا کنش‌های گفتاری داستان شهری و روستایی از دفتر سوم مثنوی، بر اساس نظریه جان سرل (۱۹۷۹) بررسی شود؛ از این رو پژوهش حاضر، با روش تحلیلی-توصیفی و با رویکرد آماری، به تحلیل و توصیف بسامد کنش‌های گفتاری در داستان یادشده پرداخته است که نتایج پژوهش نشان داد که با توجه به مضامین و توصیه‌های اخلاقی و عرفانی داستان‌های مولانا در مثنوی، از میان کنش‌های پنج‌گانه سرل، بیشترین بسامد را کنش‌های اظهاری و ترغیبی از نوع مستقیم دارند.

واژه‌های کلیدی: نظریه کنش‌های گفتاری، خوانش متن، سرل، مثنوی، داستان

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mdpajuhan@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، تهران، ایران.

hasanwayezzada@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

۱. مقدمه

رویکرد فلسفی به زبان تلاش می‌کند مسائل فلسفی خاص را از طریق کاربرد معمولی واژه‌های خاص یا دیگر مؤلفه‌های یک زبان خاص تحلیل کند (سرل، ۱۳۷۸: ۸۶). اوج قدرت زبان در متن ادبی آشکار می‌گردد؛ چون زبان ادبی افزون بر وظیفه پیام‌رسانی، دارای جنبه احساسی و تخیلی نیز است. واژه‌ها و جملات در متن ادبی بیشتر دارای معنای ثانویه هستند؛ از این لحاظ باید دید که طبق نظریه کنش‌گفتاری، شاعر با متنش، چه کنشی را می‌خواهد به مخاطب انتقال دهد.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

بررسی کنش‌های گفتاری متن ادبی می‌تواند نکات نهفته محتوایی در درون یک اثر را برجسته کند. داستان شهری و روستایی در دفتر سوم مثنوی، از جمله این متن‌هاست. در این پژوهش به این سؤال پاسخ داده می‌شود که مولانا در نقل داستان شهری و روستایی در مثنوی، چگونه کنش‌گفتاری را به کار گرفته است؟

۲-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

هدف این جستار، بررسی کنش‌های گفتاری طبق دسته‌بندی سرل در داستانی از دفتر سوم مثنوی است. با شناخت و تحلیل کنش‌های گفتاری در یک متن می‌توانیم به ویژگی‌های آن متن بیشتر پی ببریم و عناصر محتوایی آن را تحلیل کنیم.

۳-۱. پیشینه تحقیق

در مورد بررسی مثنوی مولانا بر اساس نظریه سرل، پایان‌نامه‌ای را ژاله بختیاری تحت عنوان «بررسی کنش‌های گفتاری مولوی در دفتر اول و دوم مثنوی با تأکید بر کنش گفتاری عمل‌روایت» (۱۳۹۰)، نوشته است. در این پژوهش با تکیه بر عمل‌روایت، انواع کنش‌ها بررسی شده و در آخر نتیجه گرفته شده است که مبانی نظری کنش‌گفتاری عمل‌روایت سرل در مورد کنش‌های گفتاری مثنوی صدق می‌کند.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. داستان شهری و روستایی

به بیان مولانا در روزگار پیشین فردی شهرنشین با یک روستایی طمع‌کار آشنا شده بود. روستایی وقتی به شهر می‌آمد، سراغ خانه شهری را می‌گرفت و ماه‌ها مهمان خانه او می‌شد. سرانجام روزی روستایی به شهری می‌گوید تا برای گردش به طرف روستا بیاید و مهمان خانه او شود. شهری با خانواده به طرف روستا حرکت کرد. آن‌ها خانه روستایی را پیدا کردند و با شور و شوق طرف آن دویدند و شروع به کوبیدن در کردند. وقتی روستایی آن‌ها را دید، طوری رفتار کرد که گویا آن‌ها را نمی‌شناسد. پنج شبانه‌روز خواجه و فرزندانش در کوچه سر می‌کنند و روستایی آشنایی نمی‌دهد. سرانجام، در یک شب بارانی شهری به روستایی التماس می‌کند که حداقل این شب را به ما جای بده؛ چون هوا سرد و بارانی است. روستایی باغی را نشان می‌دهد و به او می‌گوید: امشب در صورتی به تو جا می‌دهم که تا صبح نگهبان باغ باشی. سرانجام شهری قبول می‌کند که با خانواده شب را در آلاچیق سپری کند. شهری در آن شب، اشتباهی به خیال گرگ، خر روستایی را با تیرکمانی که قرار بود با آن از باغ محافظت کند، کشت. روستایی باخبر شد و فریاد زد: چرا خرم را زدی؟! شهری انکار می‌کند و می‌گوید: من گرگ را زده‌ام نه خر را. روستایی گفت، من از بادش او را شناختم. بادی که به گوشم رسید، باد حیوانم بود. شهری به او گفت: تویی که در تاریکی باد خر را شناختی، چگونه مرا شناختی؟

۲-۲. کنش‌های گفتاری در داستان شهری و روستایی

۲-۲-۱. کنش اظهاری

در داستان شهری و روستایی بین کنش‌های گفتاری طبق طبقه‌بندی سرل، از همه بیشتر کنش اظهاری به چشم می‌خورد. ما در این کنش اظهاری با تبیین ادعایی از طرف نویسنده مواجه هستیم که شامل تأکید بر نکته‌ای و یا نتیجه‌گیری از آن باشد:

عاشق و معشوق را در رستخیز دوبه‌دو بندند و پیش آرند تیز

(مولانا، ۱۴۰۰: ۳۷۲)

در روز قیامت عاشق و معشوق را به هم بندند و به عرصه محشر می‌آورند. بیت فوق اشاره به کلام الهی دارد که: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنْسٍ بِاِمَامِهِمْ: روزی که فراخوانیم هر قومی را با پیشوایانشان» (اسرا/ ۷۱) با کنش اظهاری و مستقیم روبه‌رو هستیم. به این بیان که محتوای شعر توصیف‌کننده یک حقیقت است. از طرفی دیگر، نوع جمله که خبری است با کارکرد آن (بیانی) همسان است.

ای برادر بود اندر مامّضی شهری‌ای با روستایی آشنا
روستایی چون سوی شهر آمدی خرگه اندر کوی آن شهری زدی
دو مه و سه ماه مهمانش بُدی بر دکان او و بر خوانش بودی

(مولانا، ۱۴۰۰: ۳۵۵)

در ابیات آغازین داستان شهری و روستایی، بیان مولانا از نوع روایی است که مربوط به کنش اظهاری است. همچنان از لحاظ کنش مستقیم و غیرمستقیم نیز با کنش مستقیم مواجه هستیم؛ زیرا نوع جمله با کارکرد آن یکسان است.

که زمین را من ندانم ز آسمان امتحانت کرد غیرت امتحان
باد خَرگَره چنین رسوات کرد هستی نفی تو را اثبات کرد
این چنین رسوا کند حق شید را این چنین گیرد رمیده‌صید را

(همان: ۳۷۱)

در ابیات فوق نیز با کنش اظهاری مستقیم مواجه هستیم. مولانا در انتقاد از کسانی که خود را صوفی و مجذوب خداوند می‌پنداشتند و به این بهانه می‌خواستند از دستورهای الهی شانه خالی کنند، تبیین می‌کند که هرگز نمی‌توانید از امتحان حق موفق بیرون شوید. شما که به‌دروغ ادعا می‌کنید که ما مجذوب خداوند هستیم، امتحان حق شما را رسوا خواهد کرد. مولانا با تمثیل انکار روستایی از آشنایی با شهری

و خدمات او و رسوا شدن روستایی از باد خرکره به این دست از صوفیان اظهار می‌کند که همچنان که باد خرکره روستایی را رسوا کرد شما نیز با ادعای دروغینتان رسوا خواهید شد.

هر که را با مرده سودایی بود بر امیدی زنده سیمایی بود
آن دروگر روی آورده به چوب بر امیدی خدمت مهروی خوب

(همان: ۳۶۶)

هر کسی هر فعل و عملی را انجام می‌دهد، به امید رسیدن به مقصود و منفعتی است. هر که رو به مرده‌ای می‌آورد به امید محبوب زنده است. همچنین نجار که سروکارش با چوب است. امید وی این است که روزی به خدمت محبوب رسد. کنش در این ابیات نیز اظهاری و مستقیم است.

معدن دُنبه نباشد دام گُرگ کی شناسد معدن، آن گرگِ سترگ؟

(همان: ۳۶۷)

طبق این بیت زرق و برق دنیا منبع و معدن دنبه برای گرگان حریص و دنیاطلبان نیست که آن‌ها شکار کنند؛ بلکه به منزله دام نابودی برای آن‌ها است که انسان‌های دنیا طلب را به کام خود فرو می‌بلعد. چشم دنیاطلبان از طمع کور شده است، دام دنیا را نمی‌بینند. فکر می‌کنند در این مکان فانی قرار می‌یابند و سود می‌برند. طمع آن‌ها را نمی‌گذارد تا به حقیقت دنیا پی ببرند.

کنش گفتاری در این بیت از نوع اظهاری غیرمستقیم است. غیرمستقیم از آن جهت که ظاهر جمله سؤالی اما کارکرد آن طبق نظریه سرل بیانی است.

او همی گفتش چه گویی ترهات؟ نی تو را دانم نه نام تو نه جات؟

(مولانا، ۱۴۰۰: ۳۶۹)

بعد از اینکه خواجه شهری خود را به روستایی معرفی می‌کند، روستایی به خواجه می‌گوید: این یاوه‌ها چیست که می‌بافی؟ یعنی این یاوه‌سرایی معنی ندارد. من تو را نمی‌شناسم. لذا کنش در این شعر اظهاری و غیرمستقیم است؛ چون شکل ظاهر سؤالی ولی در حقیقت سؤال نه بلکه اخبار و سرزنش است.

لیک هنگام درشتی هم نبود چون درافتادی بچه تیزی چه سود؟

(همان: ۳۷۰)

وقتی روستایی در را به روی شهری بست، خواجه شهری غضبناک شد؛ اما وقت غضب نبود. وقتی کسی به چاه بیفتد، در درون چاه خشونت معنی ندارد. مولانا با نتیجه‌گیری از درماندگی و غضب شهری، با کنش اظهاری از نوع غیرمستقیم بیان می‌کند که وقتی انسان در جایی گیر کند، دیگر ناله و فریاد برایش سود نمی‌رساند. جمله در ظاهر سؤالی است؛ اما کارکردش بیانی است.

آنکه داند نیمه‌شب گوساله را چون نداند هم‌ره ده‌ساله را؟

بار، که نهد در جهان، خرکره را؟ درس که دهد پارسی، بو مَره را؟

(همان: ۳۷۱)

دو بیت فوق نیز از جمله موارد کنش اظهاری غیرمستقیم است. در بیت اول شکل جمله سؤالی است؛ اما هدف اصلی از جمله سؤالی سؤال نیست؛ بلکه بیان این مطلب است که کسی که در تاریکی حیوانی را تشخیص دهد، مسلماً همراه ده‌ساله را می‌شناسد. در بیت دوم نیز هدف جمله در دو مصرع سؤالی و اظهار این مطلب است که خرکره توان حمل بار و ابلیس قابلیت فهم و درک علوم را ندارد. در داستان شهری و روستایی مجموعاً ۱۵۰ کنش جملات اظهاری‌اند. در بین این مجموعه ۱۴۴ جمله آن دارای کنش مستقیم و ۶ جمله آن دارای کنش غیرمستقیم است.

۲-۲-۲. کنش ترغیبی

دومین نوع از انواع کنش‌های پنج‌گانه داستان‌های شهری و روستایی، کنش ترغیبی است. کنش ترغیبی بدان معنی است که گوینده تلاش کند شنونده را در انجام دادن کاری یا قبولاندن چیزی ترغیب و تشویق کند. کنش‌های ترغیبی در این دو داستان مثنوی بیشتر حاوی توصیه‌های عرفانی مولانا هستند.

۲-۲-۲-۱. نمونه‌های کاربرد کنش ترغیبی مستقیم در داستان شهری و روستایی:

گفت حق است این؛ ولی ای سیبویه اِتَّقِ مِنْ شَرِّ مَنْ أَحْسَنْتَ إِلَيْهِ

(همان: ۳۵۶)

در بیت فوق خواجه به فرزندان‌ش که اصرار داشتند به قریه بروند و همواره از وعده‌های روستایی یاد می‌کردند، می‌گوید سخن شما درست؛ اما بترسید از شر کسانی که به آن‌ها نیکی کرده‌اید. مصرع دوم شعر حدیثی از پیامبر اکرم (ص) را یادآوری می‌کند (زمانی، ۱۳۹۹: ۸۶/۳). کنش بیت از نوع ترغیبی مستقیم است.

بر امید زنده‌ای کن اجتهاد کاو نگرود بعد روزی دو، جماد

(مولانا، ۱۴۰۰: ۳۶۶)

مولانا به گونه ترغیبی بیان می‌کند که دنبال معشوق و زنده‌ای بروید و در امیدش بکشید که پس از چند روز فانی نشود و روبه‌زوال نهد. باید عشق حقیقی و زوال‌ناپذیر و تمام‌ناشدنی را انتخاب کنید. همان‌طور که دیده می‌شود، کنش گفتار در بیت از نوع کنش ترغیبی مستقیم است. مولانا مخاطب را ترغیب به جهد و تلاش در راه رسیدن به معشوق می‌کند که جاویدان است:

مونسى مگزين خسى را، از خسى عارىت باشد در او آن مونسى

(همان: ۳۶۷)

در بیت فوق مولانا بیان می‌کند که از روی پستی، مونس و همدم پست و فرومایه انتخاب نکن و هوشیار باش؛ زیرا همدمی و انس آن عاریتی است و با این کلام ترغیبی کنشی مستقیم را به کار می‌برد.

عقل را بی‌نور و بی‌رونق کند	ده مرو ده مرد را احمق کند
گور عقل آمد وطن در روستا	قول پیغمبر شنو ای مجتبی
تا به ماهی عقل او نبود تمام	هر که در رُستا بود روزی و شام

(همان: ۳۶۵)

مولانا در ضمن داستان خواجه شهری و روستایی، در این ابیات نکاتی را در رابطه با زندگی در ده بیان کرده است. توصیه می‌کند که از رفتن به ده بپرهیزید. به گفته مولانا، زندگی در ده انسان را احمق و عقل را کور و بی‌رونق می‌کند. در بیت دوم و سوم اشاره به حدیث منسوب پیامبر (ص) شده است که فرموده‌اند «هرکس روزی در ده بماند یک ماه احمق می‌شود و اگر یک ماه در ده بماند، عمری احمق خواهد ماند» (لاهوری، ۱۳۷۷: ۴۷۳). با دقت در ابیات فوق درمی‌یابیم که روستا نمادی از محیط محدود دنیای مادی است.

زر ز روی قلب در کان می‌رود	سوی آن کان رو تو هم کآن می‌رود
نور از دیوار تا خور می‌رود	تو بدان خور رو که در خور می‌رود
زین سپس بستان تو آب از آسمان	چون ندیدی تو وفا در ناودان

(مولانا، ۱۴۰۰: ۳۶۷)

کنش گفتاری این ابیات نیز از نوع ترغیبی مستقیم است. مولانا بیان می‌کند، همه به اصل خود می‌پیوندند. طلای اصلی از طلای تقلبی جدا شده به کان خود وصل می‌شود، نور خورشید از دیوار جدا شده به سوی خورشید بازمی‌گردد. ای سالک! تو نیز مثل این‌ها به سوی اصل و حقیقت خود متمایل شو. حقیقت انسان تن و مکان انسان این دنیای فانی نیست، اگر دیدی جهان به تو وفا نکرد، آب از آسمان رحمت الهی بطلب.

۲-۲-۲-۲. نمونه‌های کنش ترغیبی غیرمستقیم در داستان شهری و روستایی:

صحبت او خیرِ مین لَهو است و مال بین که را بگذاشتی، چشمی بمال؟

(همان: ۳۶۲)

این شعر اشاره به قول خداوند دارد که «قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التَّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (جمعه/۱۱)؛ بگو پاداش و ثوابی که نزد خداست از سرگرمی و تجارت بهتر است و خدا بهترین روزی دهنده‌گان است» (سبزواری، ۱۳۷۴: ۲/۳۰). شعر اشاره به آیه قرآن دارد. این آیه کریمه اشاره می‌کند به کسانی که به خاطر خرید و فروش، نماز جمعه را ترک کرده بودند. کنش از نوع ترغیبی غیرمستقیم است؛ به این معنی که نباید به خاطر مال دنیا نماز و چیزهای ارزشمندتر از آن را ترک کنید. نماز برای شما بهتر است از مال دنیا و لَهو. ظاهر جمله سؤالی (بین که را بگذاشتی؟)؛ اما کارکرد آن بیانی است؛ یعنی پیغمبر خدا را به خاطر تجارت ترک کرده‌اید.

انس تو با مادر و بابا کجاست؟ گر به جز حق، مونسانت را وفاست

انس تو با دایه و لالا چه شد؟ گر کسی شاید به غیر حق، عضد

(مولانا، ۱۴۰۰: ۳۶۷)

در این ابیات نیز کنش از نوع ترغیبی غیرمستقیم است. ظاهر جمله سؤالی است؛ اما محتوا و مقصد شاعر از آن سرزنش است. مولانا تبیین می‌کند که اگر واقعاً غیر از خداوند، دیگر همدمان و دوستان وفادار هستند، بگو انس و الفتی که با پدر و مادرت داشتی چه شد؟ اگر غیر از خداوند پناهگاه و دوستی شایسته است، پس دوستی تو با ماما و اقاربت کجا شد؟

خاک پاکان لیبسی و دیوارشان بهتر از عام و رز و گلزارشان

به که بر فرق سر شاهان روی بنده یک مرد روشن دل شوی

تو نخواهی یافت ای پیک سُبُل از ملوک خاک جز بانگ دهل

روستایی کیست گیج و بی‌فتوح شهریان خود رهنان نسبت به روح
این سزای آنکه بی‌تدبیری عقل بانگ غولی آمدش بگزید نقل

(همان: ۳۷۰)

در این ابیات نیز با کنش گفتاری غیرمستقیم مواجه هستیم. ظاهر ابیات بیانی اما کارکرد آن تحذیر و منع است که جنبه امری دارد. مولانا از سرنوشت خواجه شهری نتیجه می‌گیرد که هر که بدون تدبیر عقل کلی و به طبع خامش به زرق‌وبرق ظاهری فریب بخورد، هرگز به مقصدش نمی‌رسد؛ پس نباید به هر چیزی که ارزش اعتماد و دل بستن ندارد، دل بست و اعتماد کرد.

همان‌طور که بیان شد، بعد از کنش اظهاری در جملات این داستان، کنش ترغیبی در جایگاه دوم قرار دارد. معمولاً اشاره به آیات قرآن نیز بیشتر در ابیاتی که دارای این دو کنش است، دیده می‌شود. مجموعاً در جملات داستان شهری و روستایی ۹۸ کنش ترغیبی که در بین آن ۷۹ کنش مستقیم و ۱۹ کنش آن غیرمستقیم است.

۲-۳. کنش عاطفی

کنش عاطفی کنشی است که بیان‌کننده ابراز احساسات شاعر یا شخصیت داستان باشد. عاطفه از موضوعات مهم در شعر است. احساس به هر نحوی چه برجسته و غیربرجسته در شعر موجود است. مرزبندی ابیات که کنش عاطفی دارد یا ندارد، کار آسانی نیست. شدت و ضعف عاطفه در شعر به متابعت نوع و محتوا حتی قالب فرق می‌کند. مثنوی اثری عرفانی است که به گونه تمثیل از داستان‌ها یاری جسته؛ به همین دلیل طبیعی است که جنبه تعلیمی و تبیینی آن برجسته‌تر از ابعاد دیگر باشد. بدین لحاظ جنبه عاطفی در آن چندان برجسته نیست. در این داستان بر اساس معیار سرل تنها مواردی را شمرده‌ایم که بعد عاطفه در آن برجسته بوده است.

۲-۳-۱. نمونه‌های کاربرد کنش عاطفی مستقیم در داستان شهری و روستایی:

چون رسید آن کارد اندر استخوان حلقه زد خواجه که مهتر را بخوان
چون به صد الحاح آمد سوی در گفت آخر چیست ای جان پدر؟

(همان: ۳۶۹)

این ابیات به وضعیت شرایط بد شهری در روستا اشاره دارد. وقتی در یک شب بارانی وضعیت خواجه شهری خیلی نامناسب شد، روستایی را صدا کرد. روستایی بیرون آمد و گفت: جان برادر از من چه می‌خواهی؟ لحن شعر احساسی است. مصرع چهارم در ظاهر حاوی پیامی احساسی است. در این مصرع روستایی خود را نمایان می‌کند که گویا دلش به حال شهری می‌سوزد. به این سبب، کنش آن عاطفی و مستقیم است. مستقیم از این سبب که بین نوع و کارکرد جملات مطابقت وجود دارد.

هم از اینجا کودکش در پسند نَرْتَع و نَلْعَب به شادی می‌زدند
همچو یوسف کش ز تقدیر عجب نَرْتَع و نَلْعَب ببرد از ظلّ آب

(همان: ۳۶۲)

ابیات فوق بیان‌کننده شادی و خرسندی فرزندان شهری از رفتن به ده هستند. روستایی فرزندان خواجه شهری را ترغیب کرد تا پدرش را وادار کنند به روستا بیاید. فرزندان شهری از این که علاقه شدید به رفتن به روستا را داشتند، شادی و پای‌کوبی می‌کردند. این ابیات بیان‌کننده خوشحالی و هیجان فرزندان شهری از رفتن به روستا است؛ لذا کنش آن عاطفی و از این‌که نوع جمله با کارکرد آن هم‌سو است مستقیم است.

۲-۳-۲-۲. نمونه‌های کنش عاطفی غیرمستقیم در داستان شهری و روستایی:

ای خری کاین از تو خر باور کند خویش را بهر تو کور و کر کند

(همان: ۳۷۲)

در این بیت مولانا با تمثیل از داستان شهری و روستایی به آن‌هایی که لباس زاهد را می‌پوشند و ادعای درویشی حقانیت دارند، اعتراض می‌کند و به آن‌ها می‌گوید: عجب احمقی است کسی که این حماقت را از شما پذیرد که شما اهل حق هستید. بیت همراه با تعجب و احساس تأسف است با کنش غیرمستقیم؛ زیرا شکل ظاهر جمله تعجبی در ردیف جمله پرسشی و کارکرد آن اخباری است.

در سه تاریکی شناسی باد خر چون ندانی مر مرا ای خیره‌سر؟

(همان: ۳۷۱)

شهری به روستایی می‌گوید وقتی در تاریکی باد خر را می‌شناسی، چگونه مرا نمی‌شناسی که روزها تو را مهمان کردم. این شعر اوج خشم شهری را نشان می‌دهد. نوع جمله سؤالی است؛ اما هدف بیان سؤال نه بلکه توبیخ است. به همین دلیل کنش آن غیرمستقیم است.

در داستان شهری و روستایی مجموعاً ۳۵ مورد کنش برجسته عاطفی دارد. از بین ۳۵ مورد کنش برجسته عاطفی دو مورد آن غیرمستقیم است.

۲-۲-۴. کنش تعهدی

کنش تعهدی آن است که هدف گوینده از بیان آن موظف ساختن خود به انجام دادن کاری است. در داستان شهری و روستایی هنگامی که روستایی به شهریت عهد می‌سپارد، اگر به روستا بیایی از جانم برایت مایه می‌گذارم، مولانا تمثیلی از نفس اماره و سرکش را ارائه می‌کند، نفسی که اعمال ناپسند را پیش چشم انسان مزین می‌کند و انسان را اغوا می‌کند تا آن را انجام دهد. مولانا سرانجام انسان‌هایی که فریب نفس را می‌خورند، همانند سرانجام شهری و خانواده او می‌داند که فریب روستایی را می‌خورد و در آخر سخت پشیمان می‌شود. «به اعتقاد مولانا روز قیامت چشم و گوش

و پوست و دست و باقی اندام‌های شخص همه روز قیامت گواهی می‌دهد که با او در دنیا چه کرده است» (پورجوادی، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

باز سوگندان بدادش کای کریم گیر فرزندان، بیا بنگر نعیم
دست او بگرفت سه کرت به عهد کالاه الله زو بیا، بنمای جهد

(مولانا، ۱۴۰۰: ۳۵۶)

روستایی به خواجه شهری تعهد می‌کند آنجا نعمت‌های فروان مهیا است، او را قسم می‌دهد که زودتر بیاید. کنش گفتاری در بیت تعهدی و مستقیم است. نمونه دیگر از کنش تعهدی در این داستان، جایی است که شهری به طرف ده می‌آید؛ اما روستایی از او روی می‌گرداند. در یکی از شب‌ها که باران و سرما خیلی شدید بود، خواجه شهری به روستایی اصرار می‌کند، آن شب به او جایی بدهد؛ روستایی برای خواجه شهری شرط می‌گذارد که در صورتی برایش جا فراهم می‌کند که از باغ پاسبانی کند. خواجه این تعهد را می‌پذیرد:

گفت: صد خدمت کنم تو جای ده آن کمان و تیر، در کفم بنه
من نخسپم حارسی رز کنم گر بر آرد گرگ سر، تیرش ز نم
بهر حق مگذارم امشب ای دودل آب باران بر سر و در زیر گل

(همان: ۳۷۰)

کنش این ابیات تعهدی و مستقیم است. در داستان شهری و روستایی فقط همین پنج بیت است که این نوع کنش در آن وجود دارد.

۲-۲-۵. کنش اعلامی

کنش اعلامی آن است که اعلام و ایجاد تغییری را به همراه داشته باشد. در جملات داستان شهری و روستایی، این نوع کنش کاربرد کم‌تری دارد. ۲-۲-۵-۱. نمونه کنش اعلامی در داستان شهری و روستایی:

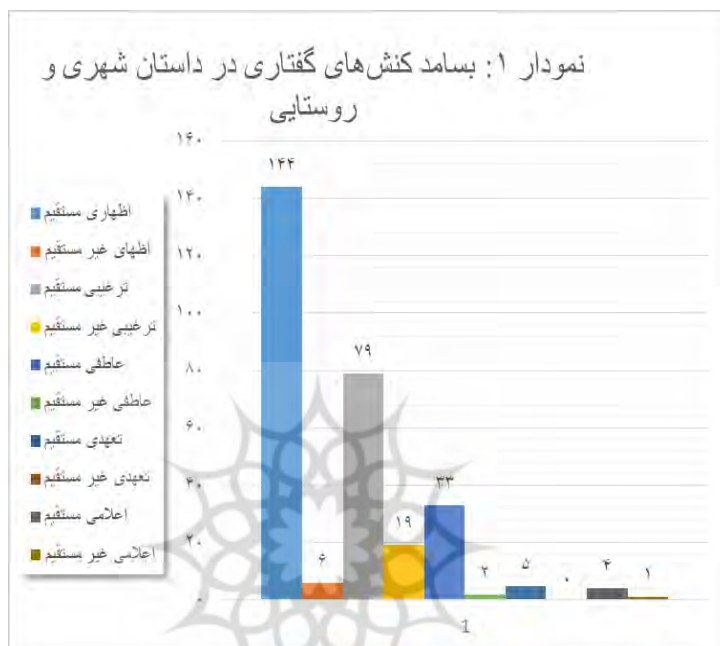
ای خران کور این سو دام‌هاست در کمین این سوی خون‌آشام‌هاست
(همان: ۳۶۵)

مولانا آن‌هایی را که اسیر هواهای نفسانی هستند و بدون در نظر داشت عواقب کارهایشان، خواسته‌های نفسانی را برآورده می‌کنند، با لحن اعلامی مخاطب قرار می‌دهد: ای احمقان! این مسیری که شما می‌پیمایید، مسیر درست نیست؛ در این مسیر خون‌آشام‌هایی هستند که شما را طعمه خودشان خواهند کرد. بیت کنش اعلامی غیرمستقیم دارد. غیرمستقیم از این جهت که ظاهر جمله اخباری است؛ اما کارکرد آن امری. مولانا به آن‌هایی که اسیر نفس هستند، اعلام می‌کند که این مسیر خطر است و به آن‌ها امر می‌کند که این مسیر را نپیمایند. مجموعاً در جملات داستان شهری و روستایی ۴ مورد کنش اعلامی مستقیم و یک مورد غیرمستقیم به کاررفته است.

۳. نتیجه‌گیری

پس از بررسی و تحلیل داستان و طبق نمودار ارائه‌شده، مشخص شد که مولانا از انواع کنش‌های گفتاری سرل استفاده کرده است. در داستان شهری و روستایی بین کنش‌های گفتاری طبق طبقه‌بندی سرل، از همه بیشتر کنش اظهاری به چشم می‌خورد. کنش گفتاری در این‌گونه از نوع اظهاری غیرمستقیم است. غیرمستقیم از آن جهت که ظاهر جمله سؤالی اما کارکرد آن طبق نظریه سرل بیانی است. دومین نوع از انواع کنش‌های پنج‌گانه داستان‌های شهری و روستایی، کنش ترغیبی است. بیشینه کنش‌های او از نوع ترغیبی مستقیم است. سومین نوع کنش‌های داستان، کنش‌های عاطفی است که تنها دو مورد آن غیرمستقیم است. چهارمین نوع کنش‌های داستان، کنش‌های تعهدی و مستقیم است که تنها در پنج بیت ذکر شده است. پنجمین نوع کنش‌های داستان، کنش‌های اعلامی آن است که اعلام و ایجاد تغییری

را به همراه داشته باشد. در ابیات داستان شهری و روستایی، این نوع کنش کاربرد کم‌تری دارد.



کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم (۱۳۹۵)، ترجمه آیت‌الله مشکینی، قم: انتشارات الهادی.
۲. پورجوادی، نصرالله (۱۳۸۵)، *زبان حال در عرفان و ادبیات*، تهران: انتشارات هرمس.
۳. زمانی، کریم (۱۳۹۹)؛ *شرح جامع مثنوی*؛ دفتر سوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
۴. سبزواری، ملاهادی (۱۳۷۴)؛ *شرح مثنوی: جلد دوم*، به کوشش مصطفی بروجردی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. سرل، جان‌آر (۱۳۸۷)، *افعال گفتاری*، ترجمه محمدعلی عبداللهی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. لاهوری، محمدرضا (۱۳۷۷)، *مکاشفات رضوی در شرح مثنوی معنوی*، تصحیح کورش منصور، تهران: روزنه
۷. مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۴۰۰)، *مثنوی معنوی* (نسخه رینولد نیکلسون)، تهران: انتشارات پیام عدالت.

